


Investigating the Effect of Geographical Location on the Level of Disclosure in Companies Admitted on the Tehran Stock Exchange

Zahra Farhadi* 

Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, University of Bojnord, Bojnord, Iran, farhadi_1370@yahoo.com

Abdolhossein Talebi Najafabadi 

Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, University of Bojnord, Bojnord, Iran, hossein.taleby@gmail.com

Narjes Kamali Kermani

Instructor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, University of Bojnord, Bojnord, Iran, narjes.kamaly@gmail.com

Younes Masoudi 

Ph.D Student, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran, younes.masoudi@mail.um.ac.ir

Abstract

Purpose: The purpose of this research is to investigate the relationship between geographical location and the level of disclosure in companies admitted to the Tehran Stock Exchange.

Method: For this purpose, 134 companies were investigated during the period of 2018-2022. This research is descriptive correlational in nature and applied in purpose. In this research, to measure the geographical location of companies, Google Maps was used and other information was extracted from Rahvard Novin 3 software and summarized, classified and calculated by Excel software, and finally the hypotheses were tested through EViews and Stata software at a confidence level of 0.95.

Results: The findings showed that there is a positive and significant effect between the geographic location of companies on voluntary disclosure; However, reliable evidence that the geographic location of companies has an effect on mandatory disclosure was not found at the confidence level of 0.95.

Conclusion: Correct and appropriate disclosure of financial information, including providing timely and accurate profit forecasts, by filling the gap of information asymmetry between managers and shareholders, reduces the representation problem.

Contribution: The findings show that the greater the distance of companies from the stock exchange organization, the more willing they are to voluntary disclosure to reduce remote monitoring costs and agency costs. With these interpretations, investors should pay attention to the geographical location of companies, companies can also reduce information risk by increasing transparency and voluntary disclosure, and also the stock exchange organization should make the level of information disclosure uniform for companies in different geographical distances by establishing appropriate laws.


Keywords: Disclosure Level, Geographical Location, Mandatory Disclosure, Voluntary Disclosure.

Research Article

Cite this article: Farhadi, Talebi Najafabadi, Kamali Kermani & Masoudi (2025) Investigating the Effect of Geographical Location on the Level of Disclosure in Companies Admitted on the Tehran Stock Exchange, *Journal of Financial Accounting Knowledge*, Vol.11, NO.4, Winter: 171-193.

DOI: 10.30479/jfak.2024.20876.3234


Received on 2 October, 2024 **Accepted on** 9 November, 2024

© The Author(s). 


Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Zahra Farhadi (farhadi_1370@yahoo.com)

بررسی تأثیر موقعیت جغرافیایی بر سطح افشاء در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

زهرا فرهادی* 

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران، farhadi_1370@yahoo.com

عبدالحسین طالبی نجف‌آبادی 

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران، hossein.taleby@gmail.com

نرجس کمالی کرمانی

مری، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران، narjes.kamaly@gmail.com

یونس مسعودی 

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، younes.masoudi@mail.um.ac.ir

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین موقعیت جغرافیایی و سطح افشاء در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

روش: به این منظور ۱۳۴ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش از نظر ماهیت از نوع توصیفی همبستگی و از نظر هدف از نوع کاربردی می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها از گوگل‌مپ استفاده و سایر اطلاعات از نرم‌افزار ره‌آورد نوین ۳ استخراج و توسط نرم‌افزار اکسل تلخیص، طبقه‌بندی و محاسبه شده، همچنین در نهایت از طریق نرم‌افزارهای EViews و Stata در سطح اطمینان ۰/۹۵ فرضیات مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که بین موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها بر افشای داوطلبانه تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما شواهد قابل اتکایی مبنی تأثیرگذاری موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها بر افشای اجباری در سطح اطمینان ۰/۹۵ یافت نشد.


نتیجه‌گیری: افشای صحیح و مناسب اطلاعات مالی از جمله ارائه پیش‌بینی‌های به موقع و دقیق سود، با پرکردن شکاف عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران موجب کاهش مسئله نمایندگی می‌شود.

دانش‌افزایی: یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچه فاصله شرکت‌ها از سازمان بورس بیشتر باشد، آن‌ها برای کاهش هزینه‌های نظارت از راه دور و هزینه‌های نمایندگی، تمایل بیشتری به افشای داوطلبانه دارند. با این تفاسیر سرمایه‌گذاران باید به موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها توجه داشته باشند، شرکت‌ها نیز با افزایش شفافیت و افشای داوطلبانه می‌توانند ریسک اطلاعاتی را کاهش دهند و همچنین سازمان بورس باید با وضع قوانین مناسب، سطح افشای اطلاعات را برای شرکت‌ها در فواصل جغرافیایی مختلف یکنواخت کند.

واژگان کلیدی: افشای اجباری، افشای داوطلبانه، سطح افشاء، موقعیت جغرافیایی.

مقاله پژوهشی

*استاد: فرهادی، طالبی نجف‌آبادی، کمالی کرمانی و مسعودی (۱۴۰۳)؛ بررسی تأثیر موقعیت جغرافیایی بر سطح افشاء در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی دانش حسابداری مالی، مقاله پژوهشی، دوره ۱۱، شماره ۴، پیاپی ۴۳، زمستان ۱۴۰۳، ۱۷۱-۱۹۳.
 تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۶/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۸/۱۹

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) © حق مؤلف نویسندگان 

۱- مقدمه

نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات به افراد برون‌سازمانی به روشی معتبر و به‌موقع است. مدیران می‌توانند از آگاهی خود درباره فعالیت‌های تجاری شرکت برای بهبود اثربخشی صورت‌های مالی، به‌عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بالقوه، استفاده نمایند (جبارزاده کنگرلویی و خدایار یگانه، ۱۳۸۸: ۲۶). افشای اطلاعات از طریق صورت‌های مالی یکی از راه‌های انتقال اطلاعات است. هدف اساسی صورت‌های مالی، ارائه اطلاعات خلاصه و دسته‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری است، تا برای گروه گسترده‌ای از کاربران، اطلاعات مفیدی در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی فراهم شود.

افشای اطلاعات، ویژگی مهمی در گزارشگری مالی است که تحت تأثیر رفتار و انگیزه‌های مدیران و ویژگی‌های شرکت قرار می‌گیرد (شین^۱، ۲۰۰۲: ۲). به عبارت دقیق‌تر، انگیزه‌های داوطلبانه و اجباری مدیران از جمله حوزه‌های کلیدی در ادبیات مربوط به افشای اطلاعات می‌باشد (دیپورز^۲، ۲۰۰۰: ۲۴۶). افشای اطلاعات یکی از ارکان مهم بازار سرمایه است که منجر به شفافیت در مبادلات و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش کارایی بازار و بهبود عملکرد پایداری می‌شود (همایون، رنجبر، احمدی و طالب‌نیا، ۱۴۰۲: ۲). افشای اطلاعات در حسابداری واژه‌ای کلیدی است که همه فرآیند گزارشگری مالی را دربرمی‌گیرد. این اصل بر اهمیت افشای همه واقعیت‌های مربوط به رویدادها و فعالیت‌های مالی واحدهای تجاری تأکید دارد. صورت‌های مالی باید به‌گونه‌ای باشند که به‌موقع، مرتبط، قابل اعتماد، قابل مقایسه و قابل فهم باشند تا استفاده‌کنندگان را در اتخاذ تصمیمات آگاهانه یاری نمایند (بنی‌مهد و شریف، ۱۳۸۹: ۵۲). افشای مالی ضعیف موجب گمراهی سهامداران می‌شود و اثر نامطلوبی بر ثروت آن‌ها می‌گذارد (ستایش، کاظم‌نژاد و ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۵۶). افشای اطلاعات به دو صورت اجباری و داوطلبانه اتفاق می‌افتد. افشای اجباری^۳ شامل اطلاعات مالی است و در گزارش‌های مالی ارائه می‌شود، در حالی که افشای داوطلبانه^۴ شامل همه اطلاعات (مالی و غیرمالی) است که مدیریت در سطح گسترده‌تری نسبت به گزارش‌های مالی افشاء می‌کند. این اطلاعات شامل اطلاعات استراتژیک، اطلاعات مالی و اطلاعات غیرمالی می‌باشد و میزان و نوع افشای داوطلبانه به عواملی مانند هزینه‌های افشاء، حاکمیت شرکتی، پیشینه مدیران و عملکرد پایدار شرکت بستگی دارد (همایون و همکاران، ۱۴۰۲: ۳). در این راستا، با توجه به اهمیت بالای اطلاعات و افشای آن‌ها توسط شرکت‌ها، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر موقعیت جغرافیایی^۵ شرکت بر سطح افشای^۶ اطلاعات می‌پردازد. موقعیت جغرافیایی شرکت یکی از موضوعات مهم در راستای دسترسی سهامداران به اطلاعات است.

اهمیت گزارشگری مالی در تصمیم‌گیری‌های مالی به دلیل نیاز به دسترسی به اطلاعات مناسب و شفاف در جوامع امروزی بسیار بالاست. تقاضا برای افشاء و گزارشگری مالی بر مبنای عدم تقارن اطلاعاتی و وجود تضاد منافع بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی است. افشای اطلاعات نقش مهمی در کاهش این مسئله دارد و افشای اجباری و داوطلبانه دارای دستاوردهای اقتصادی بسیاری است که پژوهش‌ها نیز تأیید کرده‌اند.

با توجه به اینکه ایران کشوری در حال توسعه می‌باشد، هرچند که شرکت‌ها با وضع قوانین و مقررات به افشای اجباری ملزم شده‌اند، اما امکان دارد که برخی از مدیران تمایل به افشای کافی و مناسب نداشته باشند. لذا با الزامات قانونی، نمی‌توان اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران، سهامداران و ذینفعان در جهت اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری را تأمین کرد (حسین‌پور، ۱۳۹۰: ۶). مدیران ممکن است به دلایل مختلف در انتخاب سطح افشای اجباری متفاوت عمل کنند، اما افشای داوطلبانه می‌تواند بهبود نقدشوندگی، کاهش هزینه‌های سرمایه و تقویت شبکه‌های اطلاعاتی و مالی را در بازار سرمایه به دنبال داشته باشد (مران‌جوری و علی‌خانی، ۱۳۹۳: ۲۳). شرکت‌ها با افشای اطلاعات، دسترسی سرمایه‌گذاران به وضعیت خود را بهبود و کیفیت سرمایه‌گذاری را ارتقا می‌بخشند. افشای اطلاعات برای سرمایه‌گذاران و سهامداران اهمیت زیادی دارد و باید به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی برای رشد اقتصادی مدنظر قرار گیرد. همچنین، با افزایش افشای اطلاعات و شفافیت، عدم تقارن اطلاعاتی داخلی و خارجی سازمان کاهش و نقدشوندگی بهبود می‌یابد (لیوز و ویریچا، ۲۰۰۰: ۹۲). مطابق پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون به خصوص پژوهش لیوز و ویریچا (۲۰۰۰)، این پژوهش به تأیید اهمیت موقعیت جغرافیایی در افشای اطلاعات می‌پردازد. افشای اطلاعات بین شرکت‌ها بر اساس موقعیت جغرافیایی متفاوت است و قوانینی باید در مورد شرایط افشای اطلاعات و سطح افشاء تنظیم شود. گزارشات مالی تنها منبعی هستند که سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری در بازار سهام می‌توانند به آنها اعتماد کنند، بنابراین شناسایی عواملی که بر سطح افشای اطلاعات تأثیر می‌گذارند، برای سرمایه‌گذاران بسیار حائز اهمیت است. این پژوهش همچنین می‌تواند به سازمان بورس کمک کند تا مقررات مربوط به الزامات افشای اطلاعات را مرور و بازنگری کند.

در ادامه، ابتدا مبانی نظری پژوهش و پژوهش‌های مرتبط برای حمایت از فرضیه‌ها ارائه می‌شود. سپس روش پژوهش، تحلیل داده‌ها و مدل‌های اندازه‌گیری متغیرها تشریح خواهد شد. پس از مرور مباحث نظری، نتایج آزمون‌های آماری و بررسی فرضیه‌ها مطرح شده و یافته‌ها مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرند. در نهایت، با توجه به نتایج پژوهش، کاربردهای عملی آن و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده ارائه خواهد شد.

۲- مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

بر اساس استانداردهای حسابداری مالی، تصمیمات سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، نسبت به سایر گروه‌های استفاده‌کننده از اطلاعات مالی، از گستردگی بیشتری برخوردار است، که این امر به دلیل ماهیت تصمیماتی است که این گروه‌ها اتخاذ می‌کنند (سازمان حسابرسی: مفاهیم نظری گزارشگری مالی، ۱۳۹۷: ۱۱). الزامات افشای بین‌المللی منجر به افشای اطلاعاتی می‌شود که در برخی کشورها مفیدتر از کشورهای دیگر است، زیرا سودمندی افشاء به زمینه‌ای که در آن انجام می‌شود بستگی دارد (برزیده و همکاران، ۱۴۰۲: ۳). در واقع تصمیمات اتخاذ شده توسط آن‌ها بر اساس اطلاعات افشاء شده دارای تأثیرات عمده‌ای می‌باشد (فداکاری، ۱۳۹۴: ۳). گزارشگری مالی هدف اصلی خود را در ارائه اطلاعات مناسب برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان می‌بیند. این اطلاعات باید مرتبط، مفید و قادر به اثرگذاری بر تصمیم‌های اقتصادی باشند (ولی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲). به‌طورکلی افشاء به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود: افشای اجباری و افشای داوطلبانه. افشای اجباری شامل تمامی اطلاعاتی است که طبق قوانین و مقررات بایستی در اختیار استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی قرار گیرد. افشای داوطلبانه، افشای فراتر از قوانین و مقررات می‌باشد. اگرچه استانداردهای حسابداری حداقل میزان افشاء را تعیین کرده‌اند ولی برای افشای اضافی اطلاعات، محدودیتی قائل نمی‌شوند (حسینی و حسینی، ۱۳۸۹: ۷۷). نظریه افشای داوطلبانه، بیان می‌دارد که مدیران، در صورت فزونی منافع افشاء بر هزینه‌های آن، اطلاعاتی از شرکت را که تحت مدیریت خود دارند، افشاء خواهند نمود (هیترمن و همکاران^۸، ۲۰۱۰: ۱۱۰). مطابق پژوهش‌های آرکای و وازخوز^۹ (۲۰۰۵)، حسین‌پور (۱۳۹۰)، دیدار و همکاران (۱۳۹۰)، مدرس و همکاران (۱۳۹۲)، سماحه و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۵) و سارهان و نتیم^{۱۱} (۲۰۱۸)، عوامل مختلفی مانند، نوع مالکیت، ویژگی مدیران، ویژگی‌های خاص شرکت و غیره سطح افشای اطلاعات شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش موقعیت جغرافیایی که یکی از ویژگی‌های خاص شرکت محسوب می‌شود، به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر سطح افشاء مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در این پژوهش، منظور از موقعیت جغرافیایی فاصله دفتر مرکزی شرکت تا سازمان بورس و اوراق بهادار تهران می‌باشد. موقعیت جغرافیایی یک شرکت می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر دسترسی سهامداران به اطلاعات مالی شرکت داشته باشد، زیرا دسترسی به اطلاعات دقیقی که از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی قابل استخراج نیستند، برای سهامدارانی که از شرکت دور هستند، ممکن است دشوار و پرهزینه باشد. این موضوع می‌تواند منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش شفافیت اطلاعاتی و در نتیجه افزایش هزینه تأمین سرمایه شرکت شود.

برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در شرکت‌هایی که در مناطق دور افتاده واقع شده‌اند، ایجاد مشکلات عدم تقارن ممکن است باعث شود که دسترسی آن‌ها به سرمایه و وام‌های بانکی با نرخ پایین‌تر و منابع مالی محدودتر شود. از طرف دیگر، فاصله بیشتر، هزینه نظارتی بیشتری را به سرمایه‌گذاران و مالکان تحمیل می‌کند (بوبری و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۶: ۳ و ۴). در مقابل با توجه به مشکلات فوق ممکن است این‌گونه شرکت‌ها برای رفع این‌گونه مشکلات انگیزه‌های بالایی در راستای بهبود افشای مالی و شفافیت اطلاعات داشته باشند. بنابراین مطابق آنچه گفته شد، هر چه موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها مناسب‌تر باشد امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه توسط اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران بیشتر فراهم شده و به تبع آن ریسک آن‌ها کاهش خواهد یافت.

با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیکی، موقعیت جغرافیایی شرکت همچنان در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری اهمیت دارد. نزدیکی به سرمایه‌گذاران اصلی، از جمله صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌های سرمایه‌گذاری، نظارت را افزایش می‌دهد و جلوی نقض نظارتی را می‌گیرد. به همین دلیل، سرمایه‌گذاران نزدیک‌تر به شرکت‌ها معمولاً تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری دارند (تیان^{۱۳}، ۲۰۱۱: ۱۳۳). به‌طورکلی شواهد نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که از نظر جغرافیایی نزدیک‌تر هستند. این ترجیح به دلیل دسترسی بهتر به اطلاعات، پیش‌بینی دقیق‌تر و قیمت‌گذاری بهتر است، که همگی از عواملی هستند که به افزایش بازدهی سرمایه‌گذاران کمک می‌کنند (دروبیچ و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۶: ۱). مطالعاتی از قبیل ال‌گول و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۲)، جان و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۱) و لوقان^{۱۷} (۲۰۰۸) نشان داده‌اند که موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری‌های مختلف سازمانی ایفا می‌کند، از جمله در زمینه‌های تأمین مالی، سرمایه‌گذاری و سیاست‌های مالی. هیلی و پالیپو^{۱۸} (۲۰۰۱) معتقدند که سطح افشای داوطلبانه می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را از طریق آگاهی و نظارت سرمایه‌گذاران درباره توانایی و عملکرد مدیران کاهش دهد. بنابراین، موقعیت جغرافیایی نقش مهمی در تأثیر سطح افشای داوطلبانه بر هزینه نمایندگی ایفا می‌کند (هیلی و پالیپو، ۲۰۰۱: ۴۱۰).

موقعیت جغرافیایی شرکت تأثیر زیادی بر توانایی سرمایه‌گذاران خارجی برای نظارت و مدیریت بر شرکت، به خصوص در سیاست‌های افشاء، به ویژه افشای داوطلبانه، دارد. هزینه‌های نظارتی برای سرمایه‌گذاران در شرکت‌های دورتر، افزایش می‌یابد، بنابراین شرکت‌هایی که دورتر هستند، ممکن است سطح اطلاعاتی که افشاء می‌کنند را افزایش دهند. این امر با تئوری نمایندگی سازگار است، زیرا در شرایطی که سرمایه‌گذاران نظارت کمتری

دارند، مدیران ممکن است رفتارهای فرصت‌طلبانه‌تری داشته باشند که به کاهش سودآوری و ارزش شرکت منجر می‌شود. بنابراین، شرکت‌ها ممکن است به دنبال کاهش هزینه‌های نظارتی باشند و سطح افشای داوطلبانه خود را افزایش دهند. در نهایت، می‌توان گفت که فاصله جغرافیایی می‌تواند کارآیی نظارت خارجی را محدود کند و از مشاهده فعالیت‌های مدیریتی بازداری کند، که این امر می‌تواند شرکت‌ها را به افشای بیشتر اطلاعات، ترغیب کند (درویچ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲).

تاکنون در ایران، پژوهش‌های کمی در زمینه تأثیر موقعیت جغرافیایی بر میزان افشاء صورت گرفته است. اما در سال‌های اخیر، برخی پژوهش‌ها در زمینه افشای داوطلبانه و اجباری انجام شده است که می‌توانند بهترین نمونه‌ها برای مطالعه این ارتباط در ایران باشند. از همین رو می‌توان نوآوری مقاله را بررسی عامل جدید (موقعیت جغرافیایی) موثر بر افشای داوطلبانه و اجباری، دانست.

ایزدی‌نیا و سروش‌یار (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان «مروری بر ادبیات افشای اختیاری» انجام دادند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که گزارشگری مالی و تصمیمات افشاء، تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند قراردادهای هزینه‌های سیاسی و اعتبار بازار سرمایه قرار دارند.

حسین‌پور (۱۳۹۰) به بررسی «عوامل مؤثر بر میزان افشای اجباری و اختیاری و تأثیر آن بر ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداخت. نتایج مربوط به عوامل مؤثر بر افشای اختیاری بیانگر این است که بین اندازه، سودآوری، رشد، نوع صنعت و ساختار مالکیت شرکت و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

مدرس و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی «تمرکز مالکیت و افشای اختیاری اطلاعات: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران» پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه مثبتی وجود دارد، به این معنی که با افزایش تمرکز مالکیت، شرکت‌ها تمایل بیشتری به افشای اختیاری اطلاعات پیدا می‌کند.

باغومیان و نقدی (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری در گزارشگری سالانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که تنها مالکیت نهادی با افشای اختیاری اطلاعات رابطه مثبت و معنادار دارد؛ یعنی با افزایش مالکیت نهادی، تمایل شرکت‌ها به افشای اختیاری بیشتر می‌شود. بنابراین، مالکیت نهادی عامل اصلی ترغیب شرکت‌ها به افشای اختیاری اطلاعات است.

موسوی‌منش (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین موقعیت جغرافیایی، مالکیت خانوادگی و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق

بهادار تهران» انجام داد. نتایج او نشان داد که بین موقعیت جغرافیایی و مالکیت خانوادگی رابطه منفی و معناداری با هزینه حقوق صاحبان سهام وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌های خانوادگی در موقعیت‌های جغرافیایی خاص، هزینه حقوق صاحبان سهام پایین‌تری دارند. قاسمی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی نااطمینانی سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی، واکنش سرمایه‌گذاران به شگفتی سود و افشای اختیاری» پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که نااطمینانی سیاست اقتصادی، عدم تقارن اطلاعاتی سرمایه‌گذاران را افزایش و افشای اختیاری را کاهش می‌دهد. همچنین، تأثیر معناداری از این نااطمینانی بر واکنش سرمایه‌گذاران به شگفتی سود یافت نشد. این نتایج نشان‌دهنده تمایل مدیران به استفاده فرصت‌طلبانه از نااطمینانی برای منافع شخصی است.

نیک‌پرست و بذرافشان (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه نزدیکی جغرافیایی مالکان نهادی و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کننده سازوکارهای حاکمیت شرکتی» نشان دادند که نزدیکی جغرافیایی مالکان نهادی به تنهایی تأثیر قابل توجهی بر افشای CSR ندارد؛ اما هزینه‌های تحقیق و توسعه و استقلال و تخصص کمیته حسابرسی این رابطه را تقویت می‌کنند؛ به طوری که شرکت‌های دارای این ویژگی‌ها، با افزایش مالکیت مالکان نهادی محلی، افشای CSR بیشتری دارند.

انگ و مک^{۱۹} (۲۰۰۳) پژوهشی تحت عنوان «حاکمیت شرکتی و افشای داوطلبانه» انجام دادند. آن‌ها با بررسی ۱۵۸ شرکت بورسی به این نتیجه رسیدند که مالکیت مدیران رابطه معکوس و معناداری با سطح افشای داوطلبانه دارد. همچنین تعداد بالای اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره منجر به کاهش سطح افشای شرکتی می‌شود.

آرکای و وازخوز (۲۰۰۵) پژوهشی تحت عنوان «ویژگی‌های شرکت، قوانین حاکمیت و میزان افشای داوطلبانه در اسپانیا» انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و مالکیت مدیران رابطه مستقیم و معناداری با سطح افشای داوطلبانه دارند.

سماحه و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه» انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان داد استقلال هیئت‌مدیره، اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل و ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

دروبیچ و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی تحت عنوان «موقعیت جغرافیایی شرکت و افشای داوطلبانه» انجام دادند. آن‌ها با بررسی مالی ۲۶۰ شرکت فرانسوی بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰، نشان دادند که شرکت‌های دورتر از لحاظ جغرافیایی، سطح افشای داوطلبانه بیشتری دارند و موقعیت جغرافیایی رابطه مثبت و معناداری با افشای داوطلبانه دارد.

خلیف و همکاران^{۲۰} (۲۰۱۷) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر ساختار مالکیت بر افشای داوطلبانه» انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که مالکیت دولتی، خارجی و نهادی تأثیر مثبت و معناداری بر افشای داوطلبانه دارد، در حالی که مالکیت مدیریت و تمرکز مالکیت تأثیر منفی و معناداری بر افشای داوطلبانه می‌گذارد.

سارهان و نتیم (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر هیئت‌مدیره و ساختار مالکیت بر افشای داوطلبانه در اقتصادهای نوظهور خاورمیانه و شمال آفریقا» انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که ترکیب هیئت‌مدیره تأثیر مثبت و معناداری بر افشای داوطلبانه دارد، در حالی که مالکیت مدیریت و دولتی تأثیر منفی و معناداری بر این نوع افشا می‌گذارد. لذا با توجه به پیشینه بررسی شده و عوامل معرفی شده موثر بر افشای داوطلبانه مانند تمرکز مالکیت، اندازه، ساختار، نوع صنعت، موقعیت جغرافیایی و غیره شرکت، در این پژوهش در وهله اول به بررسی فرضیه زیر می‌پردازیم:

فرضیه اول: موقعیت جغرافیایی بر افشای داوطلبانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است.

دیدار و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی تحت عنوان «اثر خصوصیات شرکتی بر سطح افشای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که دارایی‌های مشهود، بدهی و سودآوری بر کل افشای شرکت تأثیر دارند، در حالی که اندازه و رشد سود تأثیرگذار نیستند. همچنین ویژگی‌های شرکت بیشتر بر افشای اجباری تأثیر می‌گذارد تا افشای داوطلبانه، زیرا شرکت‌ها موظف به افشای اجباری اطلاعات هستند. این مطالعه نشان می‌دهد که تفاوت‌های در ویژگی‌های شرکت می‌تواند بر میزان افشای داوطلبانه اطلاعات تأثیر بگذارد و برای سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری مفید است.

عین‌الدین و دهقان (۱۳۹۱) پژوهشی تحت عنوان «بررسی اثر ساختار حاکمیت شرکتی بر کیفیت افشای اطلاعات» انجام دادند. این پژوهش به ارزیابی کیفیت افشا با معیارهای به موقع بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات پرداخته و سه عامل شامل درصد سهام سرمایه‌گذاران نهادی، نسبت مدیران غیرموظف و تمرکز قدرت در هیئت‌مدیره را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش درصد سهام نهادی و تمرکز قدرت در هیئت‌مدیره، کیفیت افشا را بهبود می‌بخشد، در حالی که تعداد مدیران غیرموظف تأثیر زیادی ندارد. این یافته‌ها به بهبود شفافیت و کیفیت حاکمیت شرکتی در بازار سهام کمک می‌کند.

بویاگری و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی تحت عنوان «موقعیت جغرافیایی، مالکیت خارجی و هزینه حقوق صاحبان سهام» انجام دادند. یافته‌ها آن‌ها نشان داد که مالکیت خارجی با فاصله زیاد از شرکت، هزینه سرمایه آن را افزایش می‌دهد و موقعیت جغرافیایی و مالکیت

خارجی به دلیل شفافیت بالای اطلاعات، ارتباط معنادار و معکوسی با هزینه حقوق صاحبان سهام دارند.

ساندرا و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۷) تغییرات در گزارشگری جغرافیایی شرکت‌های برتر اروپایی، استرالیایی و نیوزیلندی را پس از پذیرش استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS8) بررسی کردند که نتایج نشان داد این استاندارد به شفافیت بیشتر، کمک کرده است. با این حال، مدیران شرکت‌ها در ارائه جزئیات عملکرد در کشورهای مختلف اختلاف نظر دارند. لذا پیشنهاد شده است که مسئولین تدوین استانداردها الزامات افشای اطلاعات جغرافیایی را دقیق‌تر مشخص کنند تا گزارشگری مالی در این زمینه یکنواخت‌تر شود، که برای تحلیلگران مالی و سرمایه‌گذاران مهم است.

سانتی و نیوا^{۲۲} (۲۰۲۲) تأثیر افشای مالی مرتبط با تغییرات آب و هوا بر عملکرد شرکت‌ها در بخش انرژی هند را بررسی کردند. این مطالعه با تحلیل محتوای گزارش‌های سالانه و پایداری ۲۲ شرکت بر اساس توصیه‌های TCFD انجام شد و نشان داد که افشای بیشتر اطلاعات درباره تغییرات آب و هوا می‌تواند به بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها کمک کند. همچنین، به دلیل خطرات مرتبط با تغییرات آب و هوا، نیاز به مقرراتی برای تنظیم افشای این اطلاعات وجود دارد و شرایط آب و هوایی می‌تواند به عنوان نماینده موقعیت جغرافیایی و تأثیر آن بر سطح افشا مطرح شود.

لذا با توجه به پیشینه بررسی شده و عوامل معرفی شده‌ی موثر بر افشای اجباری مانند تمرکز مالکیت، اندازه، ساختار، نوع صنعت، موقعیت جغرافیایی و غیره شرکت، در وهله دوم به بررسی فرضیه زیر می‌پردازیم:

فرضیه دوم: موقعیت جغرافیایی بر افشای اجباری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است.

۳- روش‌شناسی

با توجه به این که انتظار می‌رود نتایج حاصل از این پژوهش در امر تصمیم‌گیری مورد توجه مدیران مالی، سرمایه‌گذاران و دیگر ذینفعان قرار گیرد، لذا این پژوهش از منظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است؛ همچنین از آنجا که پژوهش به بررسی ارتباط بین چند متغیر می‌پردازد، پژوهش از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی همبستگی می‌باشد.

براساس روش و مدل‌های بیان شده جهت اندازه‌گیری متغیرها، کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند، که باید دارای ویژگی‌های زیر باشند: ۱. شرکت‌ها باید از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ در بورس حضور داشته باشند، ۲. شرکت‌های موردنظر جزو بانک‌ها و واسطه‌گری‌های مالی، لیزینگ

بررسی تأثیر موقعیت جغرافیایی بر سطح افشاء در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس.../۱۸۱

و سایر شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشد، ۳. داده‌های شرکت‌ها ناقص نباشد. قلمرو زمانی این پژوهش از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا پایان سال ۱۴۰۱ را دربر می‌گیرد. پس از بررسی جامعه موردنظر، باتوجه به محدودیت‌های فوق ۱۳۴ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب گردید.

۳-۱. روش تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش برای اندازه‌گیری و آزمون فرضیه‌ها مطابق پژوهش بوباکری و همکاران (۲۰۱۶) و پورحمیدی و حسین‌پور (۱۳۹۱)، از مدل‌های زیر استفاده خواهد شد:

مدل (۱) مربوط به فرضیه اول

$$VD_{it} = \beta_0 + \beta_1 GEOGRAPHY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEVERAGE_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 LIQUIDITY_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 Year\ Dummies_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲) مربوط به فرضیه دوم

$$MD_{it} = \beta_0 + \beta_1 GEOGRAPHY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEVERAGE_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 LIQUIDITY_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 Year\ Dummies_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در اینجا:

VD_{it} : افشای داوطلبانه شرکت i در دوره t ؛

MD_{it} : افشای اجباری شرکت i در دوره t ؛

$GEOGRAPHY_{it}$: موقعیت جغرافیایی شرکت i در دوره t ؛

$Size_{i,t}$: اندازه شرکت i در دوره t (لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها)؛

$LEVERAGE_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در دوره t (نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها)؛

$ROA_{i,t}$: بازده دارایی شرکت i در دوره t (نسبت ناخالص به کل دارایی‌ها)؛

$LIQUIDITY_{i,t}$: نقدینگی شرکت i در دوره t (نسبت کل دارایی‌های جاری به کل بدهی‌های جاری)؛

$MB_{i,t}$: فرصت رشد شرکت i در دوره t (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام)؛

$Year\ Dummies_{i,t}$: عمر شرکت i در دوره t (برای محاسبه این متغیر از لگاریتم طبیعی

تعداد سال‌های تأسیس شرکت استفاده می‌شود).

۳-۲. متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

موقعیت جغرافیایی ($GEOGRAPHY$): در این پژوهش، به پیروی از پژوهش بوباکری و همکاران (۲۰۱۶) برای محاسبه موقعیت جغرافیایی از لگاریتم طبیعی فاصله دفتر مرکزی شرکت تا سازمان بورس و اوراق بهادار تهران استفاده می‌شود.

متغیرهای وابسته

شاخص افشای داوطلبانه (VD): برای محاسبه نمره افشای داوطلبانه در هر شرکت، ابتدا چک‌لیستی از موارد افشای داوطلبانه با توجه به پژوهش پورحیدری و حسین‌پور (۱۳۹۱)، در صورت‌های مالی و سایر ارزش‌های شرکت‌های داخلی و خارجی تهیه گردید. به‌طورکلی، شاخص افشای داوطلبانه به‌صورت زیر محاسبه گردیده است (پورحیدری و حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۹):

$$VDI = \frac{\sum_{i=1}^n d_i}{n} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در اینجا:

$VDI_{i,t}$ = نمره افشای داوطلبانه شرکت i در دوره t ;

d_i = اگر مورد بررسی شده، افشاء شده باشد معادل ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود؛

مجموع d_i به‌دست‌آمده برای هر شرکت و n = تعداد موارد افشاء شده حداکثر معادل ۶۰ می‌باشد.

شاخص افشای اجباری (MD): برای محاسبه نمره افشای اجباری از امتیاز افشاء که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران ارائه شده است، استفاده می‌شود.

متغیرهای کنترلی

$Size_{i,t}$: اندازه شرکت i در دوره t (لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها)؛

$LEVERAGE_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در دوره t (نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها)؛

$ROA_{i,t}$: بازده دارایی شرکت i در دوره t (نسبت ناخالص به کل دارایی‌ها)؛

$BIG4_{i,t}$: کیفیت حسابرسی شرکت i در دوره t (اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد یک و در غیر این صورت صفر)؛

$XLIST_{i,t}$: معاملات خارجی شرکت i در دوره t (اگر حسابرس شرکت معاملات خارجی باشد یک و در غیر این صورت صفر)؛

$LIQUIDITY_{i,t}$: نقدینگی شرکت i در دوره t (نسبت کل دارایی‌های جاری به کل بدهی‌های جاری)؛

$MB_{i,t}$: فرصت رشد شرکت i در دوره t (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام)؛

$Industry Dummies_{i,t}$: نوع صنعت شرکت i در دوره t (برای محاسبه این متغیر از متغیر ساختگی استفاده می‌شود). در صورتی‌که شرکت موردنظر جزء صنایع تولیدی باشد یک و در

غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود (ابراهیمی کردلر و حسنی آذر داریانی، ۱۳۸۵: ۸)؛

$Year\ Dummies_{i,t}$: عمر شرکت i در دوره t (برای محاسبه این متغیر از لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های تأسیس شرکت استفاده می‌شود).

۴- یافته‌ها

پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش، جهت محاسبه و آماده‌سازی متغیرها از نرم‌افزار آفیس ۲۰۱۹ استفاده می‌گردد و برای آزمون فرضیه‌ها از داده‌های ترکیبی استفاده خواهد شد. برای تعیین نوع داده‌های ترکیبی از آزمون‌های افلیمر و هاسمن استفاده می‌شود. همچنین برای آزمون معنی‌داری کلی مدل رگرسیون برازش شده از آماره فیشر (F) در سطح ۹۵ درصد اطمینان و برای آزمون معنی‌داری هر یک از متغیرهای مستقل از آزمون (t) استیوونت استفاده می‌شود. هم‌چنین برای آزمون عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل، از آزمون دوربین واتسون استفاده خواهد شد. همچنین از نرم‌افزارهای Eviews و Stata برای تحلیل آزمون‌های فوق، همبستگی بین متغیرها و رگرسیون خطی چند متغیره و سایر آزمون‌ها استفاده می‌شود.

به منظور سنجش پایایی متغیرها از آزمون‌های ثبات زمانی و قابلیت اطمینان مقطعی استفاده شد. در آزمون ثبات زمانی در سال‌های مختلف نتایج متغیرها را بررسی کردیم که با این امر، پایداری آن‌ها اثبات گردید. در آزمون قابلیت اطمینان مقطعی همبستگی متغیرها بین سال‌های مختلف شرکت و همچنین همبستگی متغیرها بین شرکت و صنعت را بررسی کردیم که با این امر همسانی متغیرها اثبات گردید.

همان‌طور که در جدول ۱، مشاهده می‌شود آماره‌های توصیفی شامل میانگین، کمینه، بیشینه و انحراف معیار می‌باشد که معروف‌ترین و در عین حال پرمصرف‌ترین شاخص‌های آمار توصیفی‌اند. میانگین، متوسط داده‌ها را نشان می‌دهد و انحراف معیار نشان دهنده پراکندگی داده‌ها می‌باشد.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای مدل

متغیرها	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
موقعیت جغرافیایی	۱/۳۵۳۰۳۴	۲/۹۷۵۴۳۲	۰/۱۷۶۰۹۱	۰/۸۱۲۹۱۴
افشای داوطلبانه	۰/۴۶۴۰۲	۰/۶۸۳۳۳	۰/۲۱۶۶۷	۰/۴۷۹۳۰۳
افشای اجباری	۰/۷۲۶۱۴۹	۰/۹۹۹۰۶	۰/۰۴۳۱۰۱	۰/۱۸۹۶۴۶
اندازه شرکت	۱۴/۲۹۱۲۵	۱۹/۱۴۹۹۶	۱۰/۵۳۲۹۵	۰/۵۳۴۱۶۶
اهرم مالی	۰/۶۰۰۷۶۳	۲/۰۷۷۵۰۶	۰/۰۹۰۱۶۴	۰/۲۱۷۰۳۸
بازده دارایی	۰/۱۳۰۲۶۸	۰/۶۴۶۷۳۱	۰/۰۲۹۳۷۰۶	۰/۱۵۰۱۸۷
تقدینگی شرکت	۱/۴۶۳۸۶۹	۱۳/۱۵۰۶۳	۰/۲۷۰۱۳	۰/۱۰۷۴۷۶
فرصت رشد	۲/۴۰۹۸۱۱	۲۴/۳۹۱۷۵	۰۵۱/۷۸۵۶۱	۳/۸۱۱۰۲۳
عمر شرکت	۳/۶۰۶۶۲۱	۴/۱۴۳۱۳۵	۲/۶۳۹۰۵۷	۰/۳۶۱۲۵۸

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است که شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای افشای داوطلبانه برابر با $0/46402$ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرها بازده دارایی کمترین و متغیر افشای داوطلبانه بیشترین میزان پراکندگی را دارا می‌باشند.

باتوجه به اینکه داده‌های مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی (سال- شرکت) می‌باشند و داده‌های ترکیبی به دو صورت تابلویی و تلفیقی می‌باشد، لذا به منظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و تلفیقی در برآورد مدل، از آزمون اف‌لیمر استفاده شده است. همچنین برای انتخاب بین مدل اثرات تصادفی یا اثرات ثابت از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. باتوجه به اینکه پس از انجام آزمون، احتمال آماره مدل‌ها کمتر از $0/05$ می‌باشد، در نتیجه روش داده‌های تابلویی و اثرات ثابت پذیرفته شد.

برای بررسی همسانی واریانس در این پژوهش، به دلیل تخمین مدل‌ها با استفاده از داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت، از آزمون والد تعدیل‌شده در نرم‌افزار Stata استفاده شد. همچنین برای بررسی خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌ها، آزمون ولدریج به‌کار رفت. قابل ذکر است که اگر احتمال آماره بزرگ‌تر از $0/05$ باشد، خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌ها وجود ندارد. در صورت وجود خودهمبستگی، این مشکل از طریق جزء AR یا روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) رفع می‌شود. نتایج این آزمون‌ها نشان داد که احتمال آماره برای آزمون همسانی واریانس برابر $0/000$ است که کمتر از سطح خطای $0/05$ می‌باشد؛ بنابراین فرض همسانی واریانس رد می‌شود و نشان‌دهنده وجود ناهمسانی واریانس است. همچنین، با توجه به اینکه احتمال آزمون ولدریج کمتر از $0/05$ است، وجود خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌های مدل تأیید می‌شود. برای رفع مشکلات ناهمسانی و خودهمبستگی از روش GLS استفاده شد که این روش با در نظر گرفتن واریانس و کاهش خودهمبستگی جملات خطا، مدل را بهبود می‌بخشد.

در این بخش فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد. با توجه به ماهیت داده‌ها، فرضیه‌های پژوهش در سطح داده‌های ترکیبی آزمون شد. قبل از برازش دادن مدل رگرسیون و آزمون فرضیه‌های پژوهش، فروض کلاسیک مدل آزمون شدند و با توجه به برقرار بودن پیش‌فرض‌های مدل، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. در مدل رگرسیونی باتوجه به مقادیر احتمال نسبت به رد یا عدم رد فرضیه صفر تصمیم گرفته شد.

با توجه به جدول ۲، در این پژوهش جهت آزمون معناداری کل مدل از آماره F و جهت آزمون معنادار بودن ضرایب رگرسیون از آماره t استفاده شده است. همچنین از ضریب تعیین R^2 برای بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شد. با توجه به مدل رگرسیونی مربوط به فرضیه‌های پژوهش اگر احتمال آماره t برای متغیر $(GEOGRAPHY_{it})$ کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ باشد، فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند.

جدول ۲- نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	T آماره	معناداری
عرض از مبدأ	۲۶/۷۰۶۶۳	۱/۶۵۴۴۱۶	۱۶/۱۴۲۶۳	۰/۰۰۰
موقعیت جغرافیایی	۰/۳۶۷۸۹۹	۰/۱۵۶۳۷۹	۲/۳۵۲۶۰۶	۰/۰۱۹
اندازه شرکت	۰/۱۰۰۴۹۸	۰/۰۵۴۷۳۶	۱/۸۳۶۰۳۷	۰/۰۶۶۹
اهرم مالی	۱/۸۷۸۸۲	۰/۶۷۹۸۱	۲/۷۶۳۷۴۴	۰/۰۰۵۹
بازده دارایی	-۱/۹۷۵۹۲۳	۰/۸۶۰۰۷۴	-۲/۲۹۷۳۸۹	۰/۰۲۲
نقدینگی شرکت	۰/۴۱۰۹۲	۰/۰۹۵۲۴۲	۴/۳۱۴۴۸۵	۰/۰۰۰
فرصت رشد	-۰/۰۳۹۳۵۱	۰/۰۴۳۴۶۵	-۰/۹۰۵۳۵۸	۰/۳۶۵۷
عمر شرکت	-۰/۶۰۳۵۸۲	۰/۵۱۱۲۸۴	-۱/۱۸۰۵۲	۰/۲۳۸۳
ضریب تعیین	۰/۴۳۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۷۹۱
F آماره	۲/۸۵۰۸	F معناداری آماره		۰/۰۰۰۰

با توجه به مقدار احتمال به دست آمده برای آماره F که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض H_0 رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪ این مدل معنادار می‌باشد. مقدار ضریب تعیین مدل اول پژوهش برابر ۰/۴۳۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد، ۴۳٪ تغییرهای متغیر وابسته (افشای داوطلبانه) توسط متغیر مستقل و کنترلی تشریح شده است. با توجه به جدول ۲، ضریب متغیر موقعیت جغرافیایی برابر ۰/۳۶۷۸۹۹ می‌باشد که مثبت است و احتمال آماره t برای متغیر موقعیت جغرافیایی $(GEOGRAPHY_{it})$ برابر ۰/۰۱۹ می‌باشد. این مقدار احتمال، کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه موقعیت جغرافیایی بر افشای داوطلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است. در نتیجه فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می‌شود. لازم به ذکر است که از بین متغیرهای کنترلی، اهرم مالی (LEV_{it}) ، بازده دارایی (ROA_{it}) و نقدینگی شرکت $(LIQUIDITY_{it})$ بر افشای داوطلبانه تأثیر معناداری دارد، زیرا مقدار احتمال آماره t برای متغیرهای اهرم مالی، بازده دارایی و نقدینگی شرکت از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر است.

جدول ۳- نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	T آماره	معناداری
عرض از مبدا	۰/۹۳۰۸۵۷	۰/۰۴۷۹۲۹	۱۹/۴۲۱۶۷	۰/۰۰۰
موقعیت جغرافیایی	۰/۰۰۰۲۳۵	۰/۰۰۶۹۲۶	۰/۰۳۳۸۸۸	۰/۹۷۳
اندازه شرکت	-۰/۰۰۸۶۵۳	۰/۰۰۲۷۴۴	-۳/۱۵۳۴۵۸	۰/۰۰۱۷
اهرم مالی	-۰/۰۸۳۷۶۹	۰/۰۱۶۱۴۵	-۵/۱۸۸۵۲	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی	۰/۳۱۵۶۵۹	۰/۰۲۸۴۸۶	۱۱/۰۸۱۱	۰/۰۰۰۰
تقدینگی شرکت	۰/۰۰۰۲۵۰۵	۰/۰۰۳۲۹۴	۰/۷۶۰۴۶۹	۰/۴۴۷۳
فرصت رشد	-۰/۰۰۰۰۵۰۷	۰/۰۰۰۰۵۹۳	-۰/۸۵۴۶۷	۰/۳۹۳۱
عمر شرکت	-۰/۰۲۰۶۸۵	۰/۰۱۵۶۷۲	-۱/۳۱۹۹۲۱	۰/۱۸۷۴
ضریب تعیین	۰/۶۳۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۳۲۱
F آماره	۶/۴۳۴۳	F معناداری آماره		۰/۰۰۰۰

با توجه به مقدار احتمال به دست آمده برای آماره F که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض H_0 رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪ این مدل معنادار می‌باشد. مقدار ضریب تعیین مدل اول پژوهش برابر ۰/۶۳۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد ۶۳٪ تغییرهای متغیر وابسته (افشای اجباری) توسط متغیر مستقل و کنترلی تشریح شده است. با توجه به جدول ۳، ضریب متغیر موقعیت جغرافیایی برابر ۰/۰۰۰۲۳۵ می‌باشد که مثبت است و احتمال آماره t برای متغیر موقعیت جغرافیایی (GEOGRAPHY_{it}) برابر ۰/۹۷۳ می‌باشد. این مقدار احتمال بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود. در نتیجه موقعیت جغرافیایی بر افشای اجباری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار نیست. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود. لازم به ذکر است که از بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت (SIZE_i)، اهرم مالی (LEV_{it}) و بازده دارایی (ROA_{it}) بر افشای اجباری تأثیر معناداری دارد، زیرا مقدار احتمال آماره t برای متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

افشای اطلاعات یکی از عناصر حیاتی بازار سرمایه ایران محسوب می‌شود، زیرا افشای کافی اطلاعات، شفافیت در معاملات و تبادلات را افزایش داده و در نهایت به بهبود کارایی بازار سرمایه کشور منجر می‌گردد. به عبارت دیگر، افشای اطلاعات یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر افزایش شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازارهای سرمایه ایران است. عدم تقارن اطلاعاتی منجر به ایجاد دو مشکل انتخاب نامطلوب و خطر اخلاقی می‌شود که می‌تواند به ناهنجاری‌های بازار و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران بیانجامد. افشای صحیح و مناسب اطلاعات مالی، از جمله ارائه پیش‌بینی‌های به‌موقع و دقیق سود، با پر کردن شکاف عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران، موجب کاهش مشکلات نمایندگی می‌شود.

پیش‌بینی دقیق و به‌موقع اطلاعات مالی، تصمیم‌گیری کاربران گزارش‌های حسابداری را بهبود می‌بخشد. از سوی دیگر، افشای مالی ضعیف می‌تواند منجر به گمراهی سهامداران و تأثیرات منفی بر ثروت آنان شود. در این پژوهش، موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر سطح افشای اطلاعات در بازار سرمایه ایران مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین موقعیت جغرافیایی و افشای داوطلبانه اطلاعات مالی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به‌عبارت دیگر، شرکت‌هایی که از لحاظ جغرافیایی با سازمان بورس و اوراق بهادار تهران فاصله بیشتری دارند، تمایل بیشتری به افشای داوطلبانه اطلاعات مالی خود دارند.

یافته‌ها با این دیدگاه سازگار است که هرچقدر شرکت‌ها در ایران فاصله جغرافیایی بیشتری از سازمان بورس و اوراق بهادار تهران داشته باشند، برای کاهش هزینه‌های نظارت از راه دور و کاهش هزینه‌های نمایندگی، تمایل بیشتری به افشای داوطلبانه اطلاعات نشان می‌دهند. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه، با نتایج پژوهش‌های یوباکری و همکاران (۲۰۱۶) و درویچ و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که موقعیت جغرافیایی تأثیر معنادار آماری بر سطح افشای اجباری شرکت‌ها در ایران ندارد. بر همین اساس پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش به صورت زیر می‌باشد:

۱- نتایج نشان داد موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها ارتباطی معنادار و مثبت با افشای داوطلبانه دارد. این موضوع حاکی از توجه خیلی زیاد سهامداران و سرمایه‌گذاران به موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها است، یعنی سهامداران به موضوع موقعیت جغرافیایی توجه خاصی دارند؛ در مقابل شرکت‌ها باید سعی نمایند در ایجاد دفتر مرکزی شرکت، جهت دسترسی راحت برای افراد و سرمایه‌گذاران در اطراف بازار، اقداماتی انجام دهند؛ چراکه همه سرمایه‌گذاران در تهران نیستند. بنابراین، به مدیران پیشنهاد می‌شود به موضوع موقعیت جغرافیایی خیلی توجه داشته باشند و سعی نمایند، از طریق سایر ویژگی‌ها مانند (افزایش شفافیت اطلاعاتی، تضمین سود و ...) اقدام به کاهش ریسک اطلاعاتی (از طریق افشای موارد داوطلبانه) نمایند.

۲- با توجه به یافته‌های پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که به شرکت‌هایی که از لحاظ جغرافیایی، فاصله دفتر مرکزی شرکت تا سازمان بورس و اوراق بهادار تهران کمتر می‌باشد، توجه مضاعف نمایند، چرا که در این شرکت‌ها ممکن است به دلیل کاهش موارد افشای داوطلبانه، ریسک اطلاعاتی سرمایه‌گذاران افزایش یابد.

۳- مطابق با یافته‌های پژوهش انتظار می‌رود که عدم تقارن اطلاعاتی از طریق کاهش موقعیت جغرافیایی افزایش یافته و در نتیجه زمینه کاهش ارزش شرکت فراهم شود؛ بنابراین

به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران توصیه می‌شود قوانین و مقرراتی را اتخاذ کند که تا حد امکان شرکت‌هایی که از لحاظ موقعیت جغرافیایی فاصله متفاوت دارند، سطح افشای یکنواختی داشته باشند.

در ادامه پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ذکر می‌گردد:

۱- با توجه به اینکه موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها ممکن است به دلیل مختلفی (مانند دسترسی به بازار و...) متفاوت باشد، به محققین پیشنهاد می‌شود، رابطه بین ویژگی‌هایی مانند مناطق محروم و غیر محروم در نظر بگیرند و تأثیرش را بر سطح افشاء را نیز مورد بررسی دهند.

۲- با توجه به اینکه میزان منابع مالی و سرمایه‌گذاری، ماهیت فعالیت شرکت و... در صنایع مختلف مشابه نمی‌باشد، بنابراین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود بررسی پژوهشی مشابه موضوع پژوهش حاضر با این تفاوت که در چند صنعت به صورت مقایسه‌ای صورت گیرد، انجام شود.

۳- در چند دهه اخیر، آگاهی از اهمیت فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) و محیط زیست، اجتماعی و حاکمیت (ESG) برای پایداری شرکت‌ها افزایش یافته است. به همین دلیل، سرمایه‌گذاران جهانی و سایر ذینفعان توجه بیشتری به اطلاعات غیرمالی CSR/ESG ارائه شده توسط شرکت‌ها یا آژانس‌های گزارشگری غیرمالی (NFR) دارند. لذا می‌توان به‌عنوان جنبه‌های جدید تحقیقات از زاویه‌ای دیگر به مفاهیم افشاء و عوامل موثر بر آن توجه کرد.

۴- بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر رابطه بین موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها و افشای داوطلبانه.

۵- بررسی تأثیر سایر مالکیت‌ها مانند مالکیت دولتی، تمرکز مالکیت بر رابطه بین موقعیت جغرافیایی شرکت‌ها و افشای داوطلبانه.

یادداشت‌ها

1. Shin
2. Depoers
3. Mandatory disclosure
4. Voluntary disclosure
5. Geographical location
6. Disclosure level
7. Leuz & Verrecchia
8. Heitzman & et al.
9. Arcay & Vazquez
10. Samahaa & et al.
11. Sarhana & Ntim
12. Boubakri & et al.
13. Tian
14. Derouiche & et al.
15. El ghouli & et al.
16. John & et al.
17. Loughran
18. Healy & Palepu
19. Eng & Mak
20. Khalif & et al.
21. Sandra & et al.
22. Santi & Niva

کتابنامه

- ایزدی‌نیا، ناصر و سروش‌یار، افسانه. (۱۳۸۸). مروری بر ادبیات افشای اختیاری، نقش حسابرسان و تحلیل‌گران. فصلنامه حسابداری رسمی، ۶(۱۸)، ۴۶-۵۱.
- باغومیان، رافیک و نقدی، سجاد. (۱۳۹۳). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری در گزارشگری سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری، ۵(۱۶)، ۱۱۹-۱۳۶.
- برزیده، فرخ، بولو، قاسم و نخبه‌فلاح، زهرا. (۱۴۰۲). الگوی بهبود افشاء در گزارشگری مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۳(۱)، ۱-۲۰.
- بنی‌مهد، بهمن و محسنی‌شریف، محسن. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر رتبه‌بندی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ کیفیت افشاء و به موقع بودن. حسابداری مدیریت، ۳(۷)، ۵۱-۶۳.
- پورحیدری، امید و حسین‌پور، حمزه. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین افشای اجباری و اختیاری با ارزش سهام شرکت‌ها. چشم‌انداز مدیریت مالی، ۲(۵)، ۹-۲۸.
- جبارزاده‌کنگرلویی، سعید و خدایار یگانه، سعید. (۱۳۸۸). تأثیر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی بر مدیریت سود. مجله حسابداری مدیریت، ۲(۲)، ۲۵-۳۶.
- حسنی، محمد و بشیرحسینی، سیدمحمد. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سطح افشای اطلاعات حسابداری و نوسانات قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه اقتصاد کسب‌وکار، ۱(۲)، ۷۵-۸۴.
- حسین‌پور، حمزه (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر میزان افشای اجباری و اختیاری و تأثیر آن بر ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا و خجسته، هیوا. (۱۳۹۰). اثر خصوصیات شرکتی بر سطح افشای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۹(۳۲)، ۱۴۱-۱۶۸.
- سازمان حسابرسی. (۱۳۹۷). مفاهیم نظری گزارشگری مالی. سازمان حسابرسی، ۱-۸۹.
- ستایش، محمدحسین، کاظم‌نژاد، مصطفی و ذوالفقاری، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر کیفیت افشاء بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۳)، ۷۴-۵۵.
- عین‌الدین، محمود، و فتانه، دهقان. (۱۳۹۱). اثر ساختار حاکمیت شرکتی بر کیفیت افشای اطلاعات. دهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه الزهرا.

فداکاری، سعید. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر افشای داوطلبانه، ساختار مالکیت و ترکیب هیئت‌مدیره بر تقدشوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد اصفهان. قاسمی، قاسم، خدای‌پور، احمد و شمس‌الدینی، کاظم. (۱۴۰۰). بررسی نااطمینانی سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی، واکنش سرمایه‌گذاران به شگفتی سود و افشای اختیاری. دانش حسابداری مالی، ۸(۳)، ۲۵-۴۷.

مدرس، احمد، علی‌محمدپور، علی و رحیمی، صادق. (۱۳۹۲). تمرکز مالکیت و افشای اختیاری اطلاعات: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت.

مران‌جوری، مهدی و علی‌خانی، راضیه. (۱۳۹۳). افشای مسئولیت‌های اجتماعی، ابزاری برای مشروعیت‌سازمانی. دانش و پژوهش حسابداری، ۹(۳۶)، ۲۲-۲۸. ولی‌پور، هاشم، طالب‌نیا، قدرت‌الله و احمدی، رضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سطح افشای اختیاری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۷(۲۱)، ۷۱-۸۱.

همایون، علی، رنجبر، محمدحسین، احمدی، فائق و طالب‌نیا، قدرت‌الله. (۱۴۰۲). اثر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی و آینده‌نگر بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۳(۱)، ۱۰۱-۱۲۰.

References

- Ainuddin, M. & Dehghan, F. (2011). The effect of corporate governance structure on the quality of information disclosure. The 10th National Accounting Conference of Iran. Al-Zahra University. (In Persian)
- Albert T., Tracie F. & Huijuan C. (2023). Environmental, Social, and Governance (ESG) disclosure: A literature review. The British Accounting Review, 55(1).
- Arcay, R. & Vazquez, F. (2005). Corporate characteristics, governance rules and the extent of voluntary disclosure in Spain. Advances in Accounting, 21, 299-331.
- Baghoumian, R. & Naghdi, S. (2014). Impact of corporate governance attributes on voluntary disclosure: Evidence from Iran. Journal of Accounting Knowledge, 5(16), 119-136. (In Persian)
- Banimahd, B. & Mohseni Sharif, M. (2011). An investigation of effective factors on ranking of firm disclosure quality and timeliness Tehran stock exchange. Management Accounting, 3(7), 51-64. (In Persian)

- Barzideh, F., Bolou, G. & Nokhbeh Fallah, Z. (2023). Pattern of improving disclosure in financial reporting. *Empirical Research in Accounting*, 13(1), 1-20. (In Persian)
- Boubakri, N., Guedhami, O. & Saffar, W. (2016). Geographic location, foreign ownership, and cost of equity capital: Evidence from Privatization. *Journal of Corporate Finance*, 38, 363-381.
- Derouiche, I., Jaafar, K. & Zemzem, A. (2016). Firm geographic location and voluntary disclosure. *Journal of Multinational Financial Management*, 37, 29-47
- Depoers, F. (2000). A cost benefit study of voluntary disclosure, Some empirical evidence from French listed companies. *European Accounting Review*, 9(2), 245-263.
- Didar, H., Mansoorfar, Gh. & Khojaste, H. (2011). The effect of corporate characteristics on the level of disclosure of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Quarterly journal of empirical studies of financial accounting*, 9(32), 141-168. (In Persian)
- El ghouli, S., Guedhami, O., Ni, Y., Pittman, J. & Saadi, S. (2012). Does information asymmetry matter to equity pricing?: Evidence from firm's geographic location. *Contemporary Accounting Research*, 30, 140-181.
- Eng, L. & Mak, T. (2003). Corporate governance and voluntary disclosure. *Journal of Accounting and Public Policy*, 22 (4): 325-345.
- Fadakari, S. (2014). Investigating the effect of voluntary disclosure, ownership structure and composition of the board of directors on the liquidity of shares of companies listed on the Tehran Stock Exchange. Master's thesis. Islamic Azad University, Najafabad Branch, Isfahan. (In Persian).
- Ghasemi, G., Khodamipour, A. & Shamsadini, K. (2021). Investigating of economic policy uncertainty on information asymmetry, investors' reaction to earnings surprises and management disclosures. *Financial Accounting Knowledge*, 8(3), 25-47. (In Persian)
- Hassani, M. & Bashir Hosseini, S. M. (2011). Examining the relationship between the level of disclosure of accounting information and the fluctuation of the price of stock, in the companies accepted in Tehran's stock market. *Journal of Economics & Business Research*, 1(2), 75-84. (In Persian)
- Healy, P.M. & Palepu, K.G. (2001). Information asymmetry corporate disclosure, and the capital markets: a review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting Economics*, 31, 405-440.
- Heitzman, S., Wasley, C. & Zimmerman, J. (2010). The joint effects of materiality thresholds and Voluntary disclosure incentives on firms disclosure decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 49(1), 109-132.

- Homayoun, A., Ranjbar, M. H., Ahmadi, F. & Talebnia, G. A. (2023). The effect of voluntary disclosure of historical and prospective non-financial information on the non-financial sustainability performance of companies. *Empirical Research in Accounting*, 13(1), 101-120. (In Persian)
- Hosseinpour, H. (2010). Effective factors of mandatory and optional disclosure and its effect on the value of companies admitted to the Tehran stock exchange. Master's thesis. Kerman Shahid Bahonar University. (In Persian)
- Izadinia, N. & Soroush Yar, A. (2009). A review of voluntary disclosure literature, the role of auditors and financial analysts. *Official Accountant Quarterly*, 6(18), 46-51. (In Persian)
- Jabarzadeh Kangarloui, S. & Khodayar Yeganeh, S. (2009). The effect of conservatism in financial reporting on profit management. *Journal of management accounting*, 2(2), 25-36. (In Persian)
- John, K., Knyazeva, A. & Knyazeva, D. (2011). Does geography matter?: Firm location and corporate payout policy. *International Journal of Finance & Economics*, 101, 533-551.
- Kashanipoor, M., Rahmani, A. & Parchini Parchin, S.M. (2009). The relationship between voluntary disclosure and outside directors. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 16(57), 85-100. (In Persian)
- Khalif, H., Ahmed, K. & Souissi, M. (2017). Ownership structure and voluntary disclosure: A synthesis of empirical studies. *Australian Journal of Management*, 42(3), 376-403.
- Leuz, C. & Verrecchia, R. (2000). The economic consequences of increased disclosure. *Journal of Accounting Research*, 38, 91-124.
- Loughran, T. (2008). The impact of firm location on equity issuance. *European Financial Management*, 37, 1-21.
- Maran Jouri, M. & Ali Khani, R. (2013). Disclosure of social responsibilities, a tool for organizational legitimacy. *Accounting knowledge and research*, 9(36), 22-28. (In Persian)
- Modares, A., Alimohammadpour, A. & Rahimi, S. (2012). Ownership concentration and voluntary disclosure of information: Evidence from Tehran stock exchange. First National Accounting and Management Conference. (In Persian)
- Nikparast, Y. & Bazrafshan A. (2023). The relationship between the geographical proximity of institutional owners and disclosure of corporate social responsibility by considering the moderating role of corporate governance mechanisms. *Iranian Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 7(23), 17-37.
- Pourheidari, O. & Hosseinpour, H. (2011). Investigating the relationship between mandatory and optional disclosure with the stock value of companies. *Financial Management Perspective*, 2(5), 9-28. (In Persian)

- Samahaa, K., Khalif, H. & Hussainey, K. (2015). The impact of board and audit committee characteristics on voluntary disclosure: A meta-analysis. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 24, 13–28.
- Sandra, J. Cereola, N., Nichols, B. & Donna, L. Street (2017). Geographic segment disclosures under IFRS 8: Changes in materiality and fineness by European, Australian and New Zealand blue chip. *Research in Accounting Regulation*, 22(6), 1-10.
- Santi, G. Maji, & Niva K. (2022). Climate change financial disclosure and firm performance: Empirical evidence from Indian energy sector based on TCFD recommendations. *Society and Business Review*, 17(4), 594-612.
- Sarhana, A. A. & Ntim, C. G. (2018). Corporate boards, shareholding structures and voluntary disclosure in emerging MENA economies. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 9(1), 2-27.
- Setayesh, M. H., Kazemnejad, M. & Zolfaghari, M. (2011). Investigating the effects of disclosure quality on stock liquidity and cost of capital of the companies listed in Tehran stock exchange. *Financial Accounting Research*, 3(3), 55-74. (In Persian)
- Shin, Y. C. (2002). The effect of product market competition on corporate voluntary disclosure decisions. working paper. Tulane University. September.
- Tian, X. (2011). The causes and consequences of venture capital stage financing. *International Journal of Finance & Economics*, 101, 132–159.
- Valipour, H., Talibnia, Q. & Ahmadi, R. (2013). Investigating the effect of optional disclosure level on the relevance of accounting information value in companies admitted to Tehran stock exchange. *Management accounting*, 7(21), 71-81. (In Persian)